

راهبردهای اصلاحی برای بهبود نظارت و مبارزه با فساد مالی

محمد ابراهیم مصون^۱، محمد طارق وامق^۲

چکیده

فساد مالی یکی از معضلات برجسته نظام‌های اداری است، که به‌طور گسترده در قالب مسائل سیاسی، اقتصادی و گاهی فرهنگی و اخلاقی، مشروعیت نظام‌ها را تهدید می‌کند. ضعف حاکمیت در مقابله با این معضل می‌تواند فرایند رشد و توسعه اقتصادی را با چالش‌های جدی مواجه سازد. فساد مالی در کشورهای درحال توسعه، به‌ویژه در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بحران‌هایی ایجاد می‌کند، که مقابله با آن نیازمند اصلاحات اساسی در فرایندهای اقتصادی و اداری است. شفافیت، تقویت نهادهای نظارتی و اصلاحات قانونی از ضروریات اساسی در این راستا به‌شمار می‌آید. این تحقیق با هدف شناسایی و بررسی مؤثرترین عوامل برای زدودن فساد مالی در یک ساختار نظارتی، به‌دنبال پاسخ به این پرسش بوده است که: کدام عوامل و سازوکارها می‌توانند به کاهش فساد مالی و بهبود عمل‌کرد نهادهای نظارتی کمک کنند؟ یافته‌های این تحقیق که با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است، نشان می‌دهند که: برای مبارزه مؤثر با فساد مالی، علاوه بر پرداختن به معلول‌ها، باید به کشف و خنثاسازی ریشه‌های فساد نیز پرداخته شود. یکی از عوامل کلیدی در کاهش فساد مالی، تقویت ساختارهای نظارتی مستقل و شفاف است، که قادر به شناسایی و برخورد با ریشه‌های فساد در نظام اداری و اجرایی می‌باشند.

واژه‌گان کلیدی: فساد مالی، مبارزه با فساد، ساختار نظارتی، شفافیت، پاسخ‌گویی،

ریشه‌های فساد.

دوره و سال چهاردهم نشراتی، پیاپی ۴۹، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴
غالب (فصل نامه بین‌المللی مطالعات حقوقی، سیاسی و روابط بین‌الملل)

^۱. پوهنمل دیپارتمنت حقوق، پوهنځی/ دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون/ دانش‌گاه جامی، هرات، افغانستان (نویسنده مسؤول: Masoun_48@yahoo.com)

^۲. هیئت علمی دیپارتمنت حقوق، پوهنځی/ دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون/ دانش‌گاه جامی، هرات، افغانستان (t.wamiq@jami.edu.af)

این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر شده است.



Research Article

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Ghalib

Received: 20/ 02/ 2025

Accepted: 14/ 07/ 2025

Published: 22/ 07/ 2025

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.8>

PP: 171 - 196

Reform Strategies for Improving Oversight and Combating Financial Corruption

M.Ebrahim Masoun^{1*}, Mohammad Tariq Wamiq²

Abstract

Financial corruption is one of the major challenges faced by administrative systems, which—manifesting in political, economic, and sometimes cultural and ethical dimensions—threatens the legitimacy of governance structures. A weak state capacity to address this issue can seriously hinder economic growth and development. In developing countries, financial corruption generates crises, particularly in political, social, and economic spheres, that necessitate fundamental reforms in economic and administrative processes. Transparency, the strengthening of oversight institutions, and legal reforms are essential requirements in this regard. This study aims to identify and examine the most effective factors for eliminating financial corruption within an oversight framework. It seeks to answer the question: Which factors and mechanisms can contribute to reducing financial corruption and improving the performance of oversight institutions? The findings—derived through a descriptive-analytical method based on library research—indicate that, in order to combat financial corruption effectively, addressing not only its symptoms but also its root causes is imperative. One of the key factors in reducing financial corruption is the strengthening of independent and transparent oversight structures capable of identifying and confronting the roots of corruption within administrative and executive systems.

Keywords: financial corruption, anti-corruption, oversight structure, transparency, accountability, roots of corruption.

*1 Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Jami University, Herat, Afghanistan
(Corresponding author: Masoun_48@yahoo.com)

² Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Jami University, Herat, Afghanistan (t.wamiq@jami.edu.af)



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

۱. مقدمه

فساد مالی یکی از چالش‌های پیچیده و جدی‌ای است که جوامع مختلف را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار داده و می‌تواند به تضعیف زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منجر شود. این پدیده نه تنها به نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد به نهادهای دولتی می‌انجامد، بل که موجب ایجاد نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی گسترده نیز می‌شود. در شرایطی که فساد به صورت نظام‌مند در نهادهای دولتی رخنه می‌کند، شفافیت و پاسخ‌گویی به تدریج رنگ می‌بازد و نتایج آن می‌تواند به از بین رفتن منابع مالی، نهادهای عمومی و حتا هنجارهای اجتماعی بینجامد. در این راستا، نظارت مؤثر بر عمل کرد نهادهای دولتی و خصوصی به عنوان ابزاری کلیدی در مبارزه با فساد مالی شناخته می‌شود؛ با وجود این، بسیاری از نظام‌های نظارتی به دلیل ضعف در ساختار، ناکارآمدی در اجرا و عدم استقلال، قادر به ایفای نقش خود نیستند. به همین دلیل، ضرورت دارد که راه کارهای اصلاحی مؤثری برای تقویت این نهادها و بهبود فرایندهای نظارتی معرفی شود؛ از این رو، ضرورت این تحقیق به شناسایی و تحلیل عواملی مربوط می‌شود، که می‌توانند به کاهش فساد مالی و تقویت ساختارهای نظارتی در کشورهای در حال توسعه کمک کنند.

این تحقیق با توجه به بحران‌هایی که فساد مالی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌کند، هدف دارد تا به شناسایی راه کارهایی بپردازد که بتواند فرایندهای نظارتی را تقویت و اصلاحات اساسی را در راستای بهبود عمل کرد نهادهای نظارتی پیش نهاد دهد؛ به ویژه در شرایطی که شفافیت، تقویت نهادهای نظارتی و اصلاحات قانونی به عنوان اولویت‌های اساسی برای مبارزه با فساد به شمار می‌آید.

در سال‌های اخیر، مطالعات زیادی در زمینه مبارزه با فساد مالی و تقویت نهادهای نظارتی انجام شده است. بسیاری از این تحقیقات به چالش‌های موجود در سیستم‌های نظارتی اشاره کرده و بر لزوم اصلاحات قانونی و نهادی به منظور تقویت شفافیت و کارآمدی این نهادها تأکید داشته‌اند. به عنوان مثال، کتاب سه جلدی فساد مالی و اقتصادی (ریشه‌ها، پیامدها، پیش‌گیری و مقابله)، (۱۳۸۲) توسط مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد تدوین شده است. این مجموعه به بررسی زمینه‌ها، پیامدها و روش‌های کنترل جرایم اقتصادی از منظر اقتصادی پرداخته است. جلد اول از نظریات جامعه‌شناسانی هم چون دورکیم و مرتون بهره می‌برد و نابرابری را ریشه اصلی مفاسد اقتصادی می‌داند. جلد دوم به عواملی چون رانت و دخالت‌های نابه‌جای دولت اشاره می‌کند و قوانین ایران را حامی اقتصاد انحصاری و رانتی می‌داند. جلد سوم نیز شفاف‌سازی را به عنوان راه حل اصلی مفاسد

اقتصادی معرفی کرده و بر لزوم ایجاد یک سیستم شفاف کنترولی برای درآمدها و هزینه‌ها تأکید دارد. هم‌چنین، ابوطالب خدمتی (۱۳۹۳) در کتاب «مبارزه با فساد اداری با رویکرد اسلامی»، به‌طور پراکنده به موضوع نظارت پرداخته و انواع مختلف نظارت، مانند نظارت خودکنترولی، نظارت همه‌گانی و نظارت سازمانی را به‌طور مختصر مورد بحث قرار داده است؛ علاوه‌براین، محمد خضری (۱۳۷۸) در مقاله‌یی تحت عنوان «آسیب‌شناسی روش‌های مبارزه با فساد اداری در ایران»، به بررسی مهم‌ترین آسیب‌های نظارت بر فساد اداری در ایران پرداخته است. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به رویکرد اخلاق‌گرایانه به فساد، پنهان‌کاری، بی‌توجهی به تقاضای شهروندان، اقتدار بوروکراتیک، محدودیت‌های رسانه‌یی و فشارهای گروهی اشاره کرد. نویسنده هم‌چنین تأکید دارد که یکی از مهم‌ترین دلایل گسترش فساد اداری در ایران، استفاده افراد از موقعیت‌های اداری برای کسب منافع شخصی است. این دیدگاه می‌تواند در تحلیل ساختارهای نظارتی نیز مؤثر باشد و در تحقیق حاضر، به‌عنوان یکی از زمینه‌های تحلیل مدنظر قرار گرفته است. این مقاله بر نهادها تأکید دارد، اما به برخی از مشکلات نظارت بر فساد، از جمله قوانین مرتبط، پرداخته نشده و به‌طور مفصل راه‌حل‌ها و مقایسه‌ها بررسی نگردیده است.

هدف اصلی تحقیق حاضر، شناسایی و تحلیل دقیق و جامع راه‌کارهای مؤثر در تقویت ساختارهای نظارتی و بهبود فرایندهای مبارزه با فساد مالی است. این پژوهش به دنبال آن است که عوامل کلیدی و استراتژی‌های مؤثری را که می‌توانند نقش چشم‌گیری در کاهش فساد مالی ایفا کنند، شناسایی کرده و به بررسی چه‌گونه‌گی تقویت نهادهای نظارتی در راستای افزایش شفافیت، کارآمدی و پاسخ‌گویی در نظام‌های اداری و اقتصادی بپردازد. هم‌چنین، این تحقیق می‌کوشد تا با تمرکز بر چالش‌های ساختاری و قانونی موجود، راه‌کارهایی ارائه دهد که بتواند فرایندهای نظارتی موجود را بهبود بخشیده و نظام‌های نظارتی را در مقابله با فساد مالی به سطحی کارآمدتر و مؤثرتر ارتقا دهد.

این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ به این سوالات است که: چه‌گونه می‌توان ساختارهای نظارتی را به‌گونه‌یی تقویت کرد که توانایی شناسایی و مقابله با فساد مالی در سطوح مختلف دولتی و خصوصی را داشته باشند؟ هم‌چنین، چه راه‌کارهایی می‌توانند به بهبود عمل‌کرد نهادهای نظارتی کمک کرده و در جهت تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی در این نهادها مؤثر واقع شوند؟

این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و بر پایه داده‌های کتابخانه‌یی انجام شده است و یافته‌های اولیه آن نشان می‌دهد که برای مبارزه مؤثر با فساد مالی، علاوه بر توجه به آثار و پیامدهای فساد، باید به شناسایی و نابودی ریشه‌های آن نیز پرداخته شود.

۲. مستقل بودن سازمان نظارت

بدون تردید، استقلال سازمان‌های نظارتی یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در مبارزه با فساد مالی است. استقلال این نهادها چند وجه دارد: استقلال ساختاری که به جدایی سازمان از نهادهای سیاسی و اجرایی اشاره دارد، استقلال عملیاتی که به امکان تصمیم‌گیری و اجرای امور بدون دخالت‌های بیرونی مربوط است، و استقلال مالی که تضمین‌کننده منابع کافی و بدون وابستگی مالی به دیگر نهادهاست.

اما صرف استقلال ساختاری کافی نیست؛ سازمان نظارت باید دارای اقتدار و صلاحیت قانونی باشد تا بتواند وظایف خود را با قدرت انجام دهد؛ به عبارت دیگر، استقلال بدون قدرت اجرایی و صلاحیت قانونی، توان بازدارنده‌گی لازم را نخواهد داشت و فساد را مهار نمی‌کند. تجربیات کشورهای موفق، مانند هنگ‌کنگ و مالزی نشان می‌دهد که ترکیب این دو عامل، یعنی استقلال واقعی همراه با اقتدار و صلاحیت، شرط اصلی اثربخشی سازمان‌های نظارتی در مبارزه با فساد است. پرواضح است که تأسیس یک سازمان مستقل نظارت ضروری است؛ اما باید به گونه‌یی طراحی شود که صلاحیت و اقتدار لازم را داشته باشد. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که تنها استقلال این نهاد کافی نیست و عوامل دیگری نیز در موفقیت یا عدم موفقیت آن‌ها نقش دارند. کشورهایی مانند کره جنوبی، اوگاندا، هنگ‌کنگ، مالزی، بوتسوانا و شیلی در مبارزه با فساد مالی موفقیت‌های چشم‌گیری داشته‌اند (مصون، ۱۴۰۰: ۱۸۳). پرسش این است که ویژه‌گی‌های مشترک این موفقیت‌ها چیست و چه عواملی به این دستاوردها کمک کرده است؟ پژوهش‌ها نشان می‌دهند که استقلال سازمان‌های نظارتی در این کشورها مهم‌ترین عامل موفقیت آن‌ها در مبارزه با فساد شناخته شده است. کارکنان دولتی در کشورهای درحال توسعه بر این نکته تأکید کرده‌اند که این سازمان‌ها باید مستقل از سیاست باشند تا تأثیرگذاری مطلوبی داشته باشند (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳: ۶۰).

به‌عنوان مثال، در هُنْگ‌کُنْگ، پیش از سال ۱۹۷۳ م فساد مالی در ادارات رایج بود، اما پس از روی کارآمدن فرمان‌دار جدید، «سرمروری مک لهوس»^۱، کمیسیون مستقلی برای مبارزه با فساد تشکیل شد. این کمیسیون با اختیارات وسیع، از جمله دست‌گیری مظنونان بدون حکم دادگاه و توقیف اموال، به کار خود ادامه داد و گزارش‌های خود را مستقیماً به فرمان‌دار ارسال می‌کرد (صالحی، ۱۳۹۱: ۸۸).

از این‌رو، تأسیس سازمان مستقل نظارت یک گام مثبت است؛ اما باید این نهاد به‌گونه‌ی ایجاد شود که دارای صلاحیت و اقتدار بوده و به تمام معنا مستقل باشد. تأسیس سازمان نظارت بدون استقلال و قدرت کافی، بازدارنده‌گی لازم را نخواهد داشت. زمانی این نهاد در فروکاستن فساد می‌تواند نقش بارزی ایفا نماید، که قدرت و استقلال داشته باشد.

در مالزی، کمیسیون مبارزه با فساد (MACC) به‌عنوان یک نهاد مستقل با اختیارات گسترده تأسیس شده است. این کمیسیون علاوه بر استقلال ساختاری، از استقلال عملیاتی و مالی نیز برخوردار است که به آن اجازه می‌دهد بدون مداخله سیاسی، تحقیقات خود را به طور مؤثر انجام دهد. این استقلال همراه با اقتدار قانونی، موجب شده است که مالزی در کاهش فساد مالی پیش‌رفت قابل توجهی داشته باشد و تجربه آن به‌عنوان الگویی موفق در منطقه شناخته شود. تجربه کشورهای موفق در امر مبارزه با فساد مالی به این مطلب مهم تأکید دارد، که واحدهای نظارت باید یک واحدی کاملاً مستقل باشد. شبیه آن‌چه که در مالزی و یا هُنْگ‌کُنْگ است.

۳. نظارت مستمر و دایمی

یکی از راه‌کارهای مؤثر در مبارزه با فساد مالی و اقتصادی، بازرسی دایمی و مستمر نیروهای ناظر است. این بازرسی باید به‌گونه‌ی باشد که افراد فرصت‌طلب و متخلف هرگز احساس امنیت نکنند و همواره با ناظران و بازرسان بصیر و دقیق مواجه باشند (عباس‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

براساس تئوری اتکینسون^۲، فرد زمانی به عمل خلاف مبادرت می‌کند که اولاً این عمل از نظر اقتصادی برای او ارزش زیادی داشته باشد و ثانیاً انتظار دست‌گیری و به دام‌افتادنش کم باشد (رفیع‌پور، ۱۳۸۶: ۳۲)؛ از این‌رو، سیستم کنترل و نظارت باید دارای دو ویژگی خاص باشد:

^۱. Sir Murray MacLehose

^۲. Atkinson

۳-۱. حضور نظام‌مند و مستمر

سیستم نظارت باید به‌گونه‌ی طراحی و اجرا شود که افراد خاطی و مفسد هیچ‌گاه احساس امنیت و مصونیت نکنند. این بدان معناست که احتمال گرفتار شدن، برملاشدن فساد و مواجهه با عواقب قانونی و اجتماعی باید به‌گونه‌ی باشد که هم‌واره در ذهن آنان وجود داشته باشد و از انجام رفتارهای غیرقانونی و فسادآمیز بازدارنده باشد. در واقع سیستم نظارت باید به‌گونه‌ی عمل کند که افراد خاطی و مفسد هیچ‌گاه احساس امنیت نکنند و هم‌واره دغدغه به دام افتادن، بدنامی و مجازات در ذهن آن‌ها وجود داشته باشد (رفیع‌پور، ۱۳۸۶: ۳۲).

۳-۲. سنگین بودن مجازات

میزان مجازات برای متخلفان باید به‌قدری سنگین باشد، که افراد خاطی، عمل خلاف را به هیچ وجه مقرون به صرفه ندانند و آن را پرهزینه و پُرضرر محسوب کنند.

عدم نظارت مستمر و دایمی می‌تواند به این نتیجه منجر شود، که متخلف احساس امنیت کند و از فرصت‌های پیش‌آمده سوء استفاده نماید. انسان‌ها به‌طور طبیعی در حین کار و مأموریت‌های خود نیازمند تذکر هستند. اگر این تذکر به‌موقع انجام نشود، ممکن است به بی‌تفاوتی و بی‌خیالی فرد منجر شود و حتا زمینه‌ساز انحراف و فساد مالی گردد؛ بنابراین، نظارت منظم و دایمی به‌عنوان یک راه‌برد مؤثر در کاهش فساد مالی ارزیابی شده است.

مطالعات انجام‌شده در برخی کشورها، از جمله استرالیا، نشان می‌دهد که مسؤولان این کشورها بر تلاش‌های بلندمدت، مستمر و منظم برای مبارزه با فساد تأکید دارند و معتقدند که موفقیت در مبارزه با فساد مالی نیازمند نظارت مستمر است (رفیع‌پور، ۱۳۸۶: ۶۲). اگر کارکنان اداری بدانند که سازمان نظارت به‌طور جدی و دایمی عمل کرد آن‌ها را زیر نظر دارد و این نهاد به‌صورت نظام‌مند و هدف‌مند رفتار آن‌ها را رصد می‌کند، جرأت کم‌تری برای ارتکاب تخلفات مالی و اقتصادی پیدا می‌کنند و در بسیاری از موارد از ارتکاب مفاسد خودداری می‌نمایند (خدمتی، ۱۳۹۳: ۱۱۹-۱۲۰).

کنترل به‌معنای فعالیت «منظم» است که در آن، انجام عملیات معین می‌شود و عملیات پیش‌بینی‌شده و انجام‌شده به‌طور مستمر مقایسه شده و در نهایت اصلاحات لازم برای تحقق اهداف و مأموریت‌های سازمان انجام می‌گیرد (الوانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰). به همین دلیل، محققان و پژوهش‌گران در زمینه نظارت، سه نوع نظارت را پیش‌بینی و لازم دانسته‌اند.

در نظارت سه نوع کنترل وجود دارد:

کنترول گذشته‌نگر: در این نوع کنترول، عملیات پیش‌بینی‌شده و انجام‌شده با هم مقایسه می‌شود. در صورت وجود انحراف، اقدامات اصلاحی انجام می‌شود و در غیر این صورت، عملیات بعدی انجام یا تأیید می‌شود.

کنترول آینده‌نگر: این نوع کنترول به پیش‌بینی موانع و مشکلات می‌پردازد و تلاش می‌کند اصلاحات لازم را پیش از وقوع مشکلات انجام دهد. این روی‌کرد به‌منظور صرفه‌جویی در زمان و هزینه طراحی شده و به سازمان این امکان را می‌دهد که به‌طور کارا، مسیرهای منتهی به فساد را ببندد.

کنترول زمان وقوع: در این نوع کنترول، اطلاعات زمان فعل ملاک قرار می‌گیرد و به‌دلیل پیش‌رفت فناوری، این روش امروزه بسیار رایج و مؤثر است. به‌عنوان مثال، با استفاده از سیستم‌های الکترونیکی، می‌توان به‌طور هم‌زمان اطلاعات مربوط به یک پروژه را رصد کرد (الوانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰-۱۲۳).

باتوجه به تقسیم‌بندی کنترول‌ها، دستگاه‌های اجرایی باید نقاط حساس و مستعد فساد را شناسایی کرده و کنترول زمان وقوع را در این زمینه به‌کار گیرند. واحدهای نظارت باید هر سه نوع کنترول را به‌طور منظم و جدی دنبال کنند تا بازدارنده‌گی مؤثری در مبارزه با فساد اقتصادی ایجاد کنند. استمرار و نظم در نظارت، این پیام را به کارمندان منتقل می‌کند که واحدهای نظارت در مبارزه با فساد جدی هستند.

۴. پالایش سازمان نظارت از افراد فاسد

سازمان‌های نظارتی مسؤولیت خطیری در مهار و کنترول فساد دارند؛ بااین‌حال، اگر خود این نهادها آلوده به فساد باشند، نمی‌توان انتظار اصلاح و کارآمدی از آن‌ها داشت. فلسفه وجودی این سازمان‌ها بر مبنای مقابله با انحرافات و حفظ سلامت اداری شکل گرفته است و در صورت از بین رفتن این کارکرد، نه‌تنها توان بازدارنده‌گی خود را از دست می‌دهند، بل که به عاملی برای تشدید فساد بدل می‌شوند.

برای اثربخشی این نهادها، لازم است که شایسته‌ترین و سالم‌ترین نیروها در آن‌ها جذب و ارتقا یابند. در نظام شایسته‌محور، انتصابات بر پایه صلاحیت، تعهد و پاک‌دستی انجام می‌گیرد؛ درحالی که در نظام‌های غیرشایسته‌محور، عوامل غیررسمی نظیر روابط خانوادگی، نفوذ مقامات و ملاحظات سیاسی بر تصمیمات تأثیرگذار هستند (الوانی، ۱۳۸۸: ۳۷۹). وجود فساد در درون سازمان‌های

نظارتی، نہ تنها کارایی آن‌ها را کاهش می‌دهد، بل کہ اعتبار عمومی را نیز خدشه‌دار می‌سازد. برای مبارزہ مؤثر با فساد، اعضای این سازمان‌ها باید ہم از نظر اخلاقی پاک‌دست و ہم از نظر تخصصی کارآمد باشند. افزون بر این، آن‌ها باید شجاعت رویارویی با مفسدان، آگاهی از قوانین و شناخت سازوکارهای فسادزا را داشته باشند تا بتوانند با هوش‌مندی در برابر ترفندهای مفسدان ایستاده‌گی کنند (دادگر و مصومی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، یکی از چالش‌های اساسی نهادهای نظارتی، کم‌بود نیروی متخصص و ضعف نظام آموزش کاربردی است. این مشکلات منجر به آن شده کہ گاه افراد فاقد تخصص لازم یا نامرتبط با حوزه‌های حساس، به پست‌های کلیدی گمارده شوند کہ این خود می‌تواند موجب افزایش تخلفات و ناکارآمدی شود (الوانی، ۱۳۸۸: ۳۹۹)؛ بنابراین، تعهد و تخصص باید در کنار ہم به عنوان معیارهای اصلی استخدام و ارتقا در نظر گرفته شوند. واگذاری مسؤولیت‌ها به افراد متخصص فاقد تعهد، همان‌قدر آسیب‌زاست کہ سپردن امور به افراد متعهد ناآگاه. این تعادل، ضامن کارآمدی نظارت و اعتمادسازی در جامعه است.

برای مقابله با فساد در خود ساختار نهادهای نظارتی، راه‌کارهای حقوقی و اجرایی مشخصی باید در نظر گرفته شود. از جمله این اقدامات می‌توان به تدوین مقررات سخت‌گیرانه در زمینه تضاد منافع، ایجاد نهادهای تفیش داخلی مستقل، و نظارت بر عمل‌کرد سازمان‌های نظارتی از طریق نهادهای هم‌عرض یا ناظر بر ناظر اشاره کرد؛ همچنین، فرایند جذب و ارتقا باید شفاف، رقابتی و مبتنی بر ضوابط قانونی باشد. در بُعد حقوقی، حمایت قانونی از افشاگران فساد و وضع ضمانت اجرای مؤثر برای تخلفات درون‌سازمانی از ضروریات انکارناپذیر است. در کنار این موارد، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین هم‌چون ثبت الکترونیکی داده‌ها و سیستم‌های گزارش‌گیری مردمی، به شفافیت و پاسخ‌گویی بیش‌تر این نهادها کمک شایانی خواهد کرد.

۵. روحیہ تعامل اجتماعی مدیران ناظر

برای افزایش کارایی و موفقیت سازمان‌های نظارتی در مبارزه با فساد، ضروری است کہ مدیران به جای تمرکز بر حفظ مقام و منافع شخصی، بر روی اهداف جمعی و اصلاح ساختارها تمرکز کنند. این تغییر نیازمند فرهنگی است کہ تعامل و همکاری را در اولویت قرار دهد و به تربیت مدیرانی منجر شود کہ شایسته‌گی و تعهد لازم را برای انجام وظایف خود دارند.

مدیران سازمان‌های نظارتی نقش حیاتی در مبارزه با فساد دارند و برای موفقیت در این زمینه باید به چند نکته کلیدی توجه کنند:

- **جلب حمایت سیاسی:** مدیران باید بتوانند حمایت مقامات با نفوذ را برای اقدامات خود جلب کنند. این حمایت سیاسی در برخی مواقع برای موفقیت در مبارزه با فساد ضروری است؛ زیرا ناظران برای اثرگذاری به همکاری و تعامل با مقامات نیاز دارند. به‌ویژه در شرایطی که فساد عمیق است، این تعامل می‌تواند تفاوت‌های بزرگی ایجاد کند (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳: ۱۵۴)؛

- **تعامل اجتماعی:** ناظران موفق افرادی هستند که توانایی برقراری ارتباطات مؤثر و مثبت با سایر مقامات و افراد کلیدی در دولت را دارند. این تعامل اجتماعی به آن‌ها کمک می‌کند تا صاحبان قدرت را به سمت اهداف خود هم‌سو کنند و منافع ناشی از مبارزه با فساد را برای آن‌ها روشن نمایند؛

- **درک مضرات فساد:** مدیران باید به‌خوبی از مضرات فساد آگاه باشند و توانایی انتقال این آگاهی به هم‌کاران خود را داشته باشند. اگر ناظران درک عمیقی از اثرات منفی فساد بر جامعه و اداره‌کردن سیستم داشته باشند، می‌توانند به‌تر با آن مقابله کنند (خدمتی، ۱۳۹۳: ۱۰۱)؛

- **فرهنگ سازمانی و فردگرایی:** در بسیاری از کشورها، مدیران به دلیل فردگرایی و تمرکز بر اهداف شخصی به جای اهداف جمعی، از نقش اصلی خود در مبارزه با فساد فاصله می‌گیرند. مهدی‌الوانی معتقد است که بسیاری از مدیران به جای توجه به وظایف سازمانی، در پی حفظ مقام و منافع شخصی خود هستند. این امر به گسترش فساد و تضعیف عمل‌کرد سازمان‌ها منجر می‌شود (الوانی، ۱۳۸۸: ۳۷۸)؛

- **نیاز به آموزش و تربیت:** برای تغییر این روی‌کرد، لازم است که نظام آموزشی و تربیتی در هر کشور، به تقویت حس جمعی و همکاری میان افراد پرداخته و فردگرایی را کاهش دهد. این مسأله به تربیت مدیران شایسته و لایق کمک خواهد کرد که در خدمت جامعه و سازمان‌های خود هستند. تحلیل این موضوع نشان می‌دهد که روحیه تعامل اجتماعی در مدیران ناظر، صرفاً یک ویژگی فردی نیست، بل که یک سرمایه سازمانی و راه‌برد نهادی در مقابله با فساد محسوب می‌شود. مدیری که توانایی تعامل مؤثر با سایر نهادها و مقامات را دارد، می‌تواند حمایت‌های لازم برای اجرای مأموریت‌های حساس نظارتی را جلب کند و در برابر فشارهای سیاسی و سازمانی مقاومت نماید. این تعامل، به‌ویژه در ساختارهایی که فساد در آن‌ها نهادینه شده، نقش حیاتی دارد؛ زیرا ایجاد تغییرات ساختاری بدون ائتلاف‌سازی و اقناع دیگر بازیگران امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، تأکید بیش‌ازحد بر منافع شخصی، نه‌تنها اثربخشی نهاد نظارتی را تضعیف می‌کند، بل که باعث کاهش مشروعیت آن

در چشم افکار عمومی می‌شود؛ بنابراین، پرورش مدیرانی با روحیه جمع‌گرایی، تعهد سازمانی، و مهارت تعامل اجتماعی، نه فقط یک امر اخلاقی، بل که ضرورتی برای موفقیت راهبردی سازمان‌های نظارتی در زمینه مبارزه با فساد است.

۷. مقابله و برخورد با مصادیق فساد مالی

در بسیاری از نظام‌های حقوقی، مسئولیت کشف و تحقیق جرایم بر عهده قوه اجرائیه و سازمان‌های نظارتی است، که باید با متخلفان و مفسدان مالی قاطعانه برخورد کنند. تجربه کشورهای موفق، مانند کره جنوبی نشان می‌دهد که افزایش مجازات برای کارکنان فاسد، منجر به کاهش فساد شده است (خدمتی، ۱۳۹۳: ۸۵)؛ پس از تشدید مجازات‌ها، آگاهی شهروندان و کاهش تخلفات در کره جنوبی مشاهده شد. کشورهای مالزی و هنگ‌کنگ نیز با اصلاح نظام‌های اداری و افزایش مجازات‌ها موفق به کاهش فساد شده‌اند. در نظام اسلامی، هم‌زمان با تشویق، برخورد قاطعانه با متخلفان ضروری است تا به بهبود وضعیت فساد کمک کند. رحیم متحدیان تأکید می‌کند که باید با مصادیق فساد به‌طور قاطع برخورد کرد تا دیگران از آن عبرت گیرند (متحدیان، ۱۳۹۰: ۷۸).

بین سال‌های ۱۹۹۸م تا ۲۰۰۰م، کره جنوبی با تشدید مجازات‌ها و افزایش محکومیت‌ها موفق به کاهش فساد شد. در این دوره، تعداد مجازات‌ها به ۱۹۵۹۷ مورد رسید و میزان تخلفات کاهش یافت. تحقیقات نشان داد که درصد شهروندانی که به وخامت فساد اعتقاد داشتند از ۹۱ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۷۶٫۶ درصد در سال ۲۰۰۰م کاهش یافت (خدمتی، ۱۳۹۳: ۸۵). کشورهای دیگر، مانند سنگاپور نیز با افزایش مجازات‌ها و نظارت اجتماعی فساد را کاهش دادند. در کنار مجازات، تشویق نیز مهم است. هدف اصلی اصلاح و تعدیل رفتار کارکنان است، نه صرفاً مجازات آن‌ها. این رویکرد باید با نظارت و آگاهی شهروندان همراه باشد تا تأثیرگذار باشد.

۸. آموزش و توسعه سازمان نظارت، مردم و نهادهای مدنی

شرکت‌های معتبر جهانی، مانند IBM و موتورولا به آموزش کارکنان اهمیت می‌دهند و آن را به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری می‌نگرند. این شرکت‌ها مراکز آموزشی راه‌اندازی کرده و برنامه‌های آموزشی جامعی دارند (جزنی، ۱۳۸۸: ۲۷۸)؛ بنابراین، آموزش تنها به منظور جلوگیری از فرسایش معنای عدم توانایی کارکنان در استفاده از اطلاعات جدید برای انجام کارها (همان، ۱۳۸۸: ۲۹۸)

نیست؛ بل که آماده‌سازی نیروهای جدید هم است؛ همچنین بحث توان‌مندسازی و ارائه اطلاعات جدید، ایجاد انگیزه، ارتقای ظرفیت و ارائه رفتار و الگوی مناسب نیز در آموزش مطرح است. مزایای آموزش نظارت در سازمان:

- بهبود مهارت‌ها و خلاقیت در سازمان؛

- افزایش روحیه و انگیزه فعالیت؛

- بهبود روابط بین کارکنان و مدیران؛

- ارتقای درک و اجرای سیاست‌های سازمانی؛

- کاهش رفتارهای ناپسند و ایجاد حس مسئولیت اجتماعی.

هرچند آموزش‌های حرفه‌یی به بهبود عمل کرد سازمانی کمک می‌کنند، اما در زمینه مبارزه با فساد، آموزش باید فراتر از مهارت‌های کاری رفته و به ارتقای آگاهی‌های اجتماعی، حقوقی و اخلاقی نیز بپردازد. آموزش عمومی شهروندان درباره حقوق، شفافیت اداری، و مسئولیت اجتماعی نقش اساسی در کاهش زمینه‌های فساد دارد.

بنابراین، آموزش و افزایش آگاهی مردم در مورد حقوق و وظایف خود در ادارات ضروری است. عدم اطلاع مردم از حقوق‌شان می‌تواند منجر به فساد شود. این آموزش باید از مراحل اولیه زنده‌گی شروع شود. مدرسه و خانواده نقش کلیدی در شکل‌دهی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی دارند و این آشنایی می‌تواند به کاهش فساد کمک کند (زرگری، ۱۳۹۰: ۱۶۹-۱۷۰).

کشورهایی مانند کره جنوبی و مالزی برنامه‌های موفق در مبارزه با فساد اجرا کرده‌اند. در کره جنوبی، ایجاد هیئت‌های مشورتی متشکل از شهروندان، محققان و روزنامه‌نگاران، و راه‌اندازی وبسایت‌هایی برای جمع‌آوری نظرات مردم از جمله اقدامات موفق این کشور است؛ هم‌چنان در مالزی، تأسیس نهادهای آموزشی برای آشنایی مردم با حقوق و خدمات دولتی و آموزش اخلاق در مدارس از جمله اقدامات این کشور بوده است.

باتوجه به آنچه گفته شد، برای مبارزه با فساد، نیاز به برنامه نظام‌مند و طولانی‌مدت است، که شامل آموزش و ارتقای آگاهی از کودکی تا بزرگسالی باشد. این برنامه‌ها باید به‌گونه‌یی طراحی شوند که به تقویت تعامل اجتماعی، ارتقای ظرفیت و خدمت به جامعه کمک کنند (براتی، ۱۳۹۵: ۳۲۶). استفاده از رسانه‌ها، انتشار اطلاعات، و برنامه‌های آموزشی متنوع می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی و کاهش فساد کمک کند. درنهایت، مبارزه با فساد مالی نیازمند هم‌کاری و تلاش مشترک از

سوی تمامی بخش‌ها، از جمله دولت، جامعه مدنی و شهروندان است تا از طریق آموزش و افزایش آگاهی، جامعه‌ی سالم‌تر و شفاف‌تر شکل گیرد.

۹. توسعه نظارت الکترونیکی

منظور از نظارت الکترونیکی در این‌جا، استفاده از ابزارها و سامانه‌های فناورانه‌ی مانند دوربین‌های مداربسته، سیستم‌های کنترل تردد، کنترل منظم دیجیتال فرایند مالی، و سیستم‌های هشداردهنده خودکار است. این نوع نظارت به سازمان‌ها امکان می‌دهد تا فعالیت‌ها و فرایندهای اداری و اجتماعی را با دقت، سرعت و شفافیت بیش‌تری رصد کرده و در صورت وقوع تخلف، به سرعت واکنش نشان دهند. به کارگیری این فناوری‌ها همچنین موجب کاهش وابستگی به نظارت انسانی و افزایش اعتماد عمومی به عمل‌کرد نهادهای نظارتی می‌شود. در عصر حاضر، با توجه به پیشرفت‌های شگرف فناوری و ظهور انقلاب‌های جدید، کشورها بیش از پیش نیازمند تحول در روش‌های نظارتی خود هستند. روش‌های سنتی که در گذشته پاسخ‌گوی نیازها بودند، دیگر در دنیای پیچیده و در حال تغییر امروز کارآمد نیستند؛ از این‌رو، بهره‌گیری از تکنیک‌های نوین، مانند نظارت الکترونیکی به یک ضرورت تبدیل شده است. سازمان‌ها و دولت‌ها برای مقابله با چالش‌های جدید، به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، نیاز به شیوه‌های مؤثرتری دارند. نظارت الکترونیکی به‌عنوان یک روش نوین، قابلیت پاسخ‌گویی به نیازهای پیچیده جامعه را دارد و می‌تواند به بهبود شفافیت و کارایی کمک کند.

مضافاً این‌که نظارت الکترونیکی دارای مزایای متعددی است، که می‌توان به موارد زیر اشاره

کرد:

– **کاهش هزینه‌ها:** به کارگیری تکنالوژی‌های نوین به جای نیروی انسانی، می‌تواند هزینه‌های نظارتی را به‌طور قابل توجهی کاهش دهد؛

– **افزایش دقت و کارایی:** با استفاده از ابزارهای الکترونیکی، امکان رصد دقیق‌تر رفتار افراد فراهم می‌شود و این سیستم‌ها می‌توانند به‌صورت خودکار تخلفات را شناسایی کنند و به مقامات گزارش دهند؛

– **ایجاد احساس امنیت:** وجود دوربین‌ها و سیستم‌های نظارتی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم رفتار افراد را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را به رعایت قوانین تشویق کند. افراد به دلیل احساس نظارت، معمولاً کم‌تر به ارتکاب تخلف می‌پردازند.

در جنگ علیه فساد اقتصادی و مالی، باید از هر ابزار و وسیله ممکن و مشروع استفاده شود. براین اساس، نظارت الکترونیکی هم مقرون به صرفه است و هم در بسیاری از موارد کارایی خوبی دارد؛ به‌ویژه، کنترل ورود و خروج به موقع کارمندان یک اداره از طریق سیستم‌های الکترونیکی هم دقیق و هم اقتصادی است؛ همچنین، نظارت بر تخلفات شهروندان و دارنده‌گان وسیله نقلیه موتوری با استفاده از دوربین‌های مستقر در سطح شهر، به‌طور قابل توجهی مقرون به صرفه بوده و امکان نظارت و اشراف در تمامی ساعات روز و شب را فراهم می‌کند (مصون، ۱۴۰۰: ۲۱۵).

کشورهای جهان سومی و در حال توسعه، که با چالش‌های جدی در زمینه فساد مالی و اقتصادی مواجه هستند، استفاده از نظارت الکترونیکی می‌تواند تأثیر چشم‌گیری در بهبود شرایط داشته باشد. این کشورها نیازمند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تکنولوژیکی و آموزش کارکنان برای بهره‌گیری بهینه از این سیستم‌ها هستند.

بنابراین نظارت الکترونیکی نه تنها ابزاری مدرن و کارآمد برای مدیریت سازمان‌ها و مبارزه با فساد است، بل که می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی کمک کند. با پیشرفت‌های فناوری و نیاز به سیستم‌های مؤثرتر، این روش به یکی از ارکان اصلی در اداره جوامع امروزی تبدیل خواهد شد. در نهایت، اهمیت به‌کارگیری نظارت الکترونیکی در راستای حفظ حقوق شهروندان و تأمین امنیت اجتماعی، به‌طور فزاینده‌یی در حال افزایش است و باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

۱۰. تشویق و زمینه‌سازی نظارت اجتماعی / عمومی

نظارت مردمی و فعالان مدنی در مبارزه با فساد مالی و اقتصادی نقش حیاتی دارد و مکمل نظارت سازمان‌های رسمی است. این نظارت می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم (از طریق نماینده‌گان و نهادهای نظارتی) و مستقیم (از طریق خود مردم) انجام شود. دو پیش‌شرط اساسی برای نظارت مردمی، آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات است، که در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده و برای توسعه و شفافیت حکومت‌ها ضروری است (براتی نظام، ۱۳۹۵: ۳۲۸-۳۲۹).

نظارت مردمی باید با هم‌کاری دولت و در چهارچوب‌های قانونی مستحکم، تقویت شود. تجارب جهانی نشان می‌دهد که مشارکت مؤثر جامعه مدنی با حمایت دولت و قوانین مناسب، به نتایج مثبتی منجر می‌شود. دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان به توان‌مندسازی جامعه مدنی و نظارت مؤثر کمک می‌کند و شفافیت و آگاهی عمومی را تقویت می‌نماید. دولت‌ها باید به این درک برسند که

شفافیت و پاسخ‌گویی نه تنها حق شهروندان است، بل که به نفع خودشان نیز خواهد بود و اعتماد عمومی را تقویت می‌کند (براتی و زارعی، ۱۳۹۵: ۳۲۸-۳۲۹).

در نوع روی‌کردهای نظارتی معمولاً با دو دسته روی‌کرد می‌توان مواجه بود: روی‌کرد بالا به پایین: در این روی‌کرد، افرادی که از فساد بهره‌مند می‌شوند معمولاً تمایلی به تغییر وضعیت ندارند. این افراد ممکن است شامل مقامات دولتی، نماینده‌گان پارلمان و دیگر مسؤولان باشند که خود درگیر فساد هستند یا از آن بهره می‌برند.

روی‌کرد پایین به بالا: این روی‌کرد تأکید بر مشارکت مردمی و نظارت اجتماعی دارد. در این حالت، جامعه مدنی و فعالان آن می‌توانند با فشار بر نهادهای دولتی، زمینه‌های تغییر و اصلاح را فراهم کنند. این روی‌کرد به‌ویژه زمانی مؤثر است که با نظارت و حمایت از سوی نهادهای دولتی همراه شود (براتی و زارعی، ۱۳۹۵: ۳۲۸-۳۳۲). برای مشارکت جامعه مدنی در زمینه نظارت باید به عوامل مؤثر زیر توجه جدی نمود:

– **چهارچوب قانونی:** وجود قوانین و مقرراتی که به نهادهای جامعه مدنی اجازه دهد بدون محدودیت فعالیت کنند، از اهمیت بالایی برخوردار است؛

– **اراده دولت:** دولت باید تمایل واقعی برای همکاری با جامعه مدنی داشته باشد و از مشارکت آن‌ها استقبال کند؛

– **درگیری مؤثر جامعه مدنی:** نهادهای جامعه مدنی باید فعالانه در فرایندهای نظارتی و اصلاحی شرکت کنند تا تأثیرگذار باشند (همان: ۳۲۲).

در گزارشی از «سازمان هم‌کاری اقتصادی و توسعه»، به اهمیت هم‌کاری دولت و جامعه مدنی در مبارزه با فساد اشاره شده است. بسیاری از کشورها، به‌ویژه فیلیپین، با فعالان مدنی هم‌کاری می‌کنند تا نظارت مردمی را بر سبک زنده‌گی و رفتار مقامات دولتی تقویت کنند. این هم‌کاری شامل جمع‌آوری اطلاعات از سوی مردم و تحقیق نهادهای مسؤول در مورد گزارش‌های ارسالی است. در صورت تأیید صحت گزارش‌ها، متهمان به دادگاه معرفی می‌شوند؛ بنابراین، نظارت جامعه به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در کاهش فساد مالی و اقتصادی شناخته می‌شود و باید در کنار واحدهای نظارتی دولتی مورد توجه قرار گیرد (همان‌جا).

بنابراین، نظارت مردمی و مشارکت فعالان مدنی در مبارزه با فساد، نیازمند چهارچوب‌های قانونی و حمایتی است. اگر دولت‌ها هم‌کاری و تعامل با جامعه مدنی را در نظر بگیرند و به دنبال شفاف‌سازی باشند، می‌توانند به نتایج مثبتی در کاهش فساد دست یابند. تجارب کشورهای مختلف

نشان می‌دهد که نظارت اجتماعی و همکاری میان نهادهای دولتی و مردم از ابزارهای کلیدی برای مبارزه با فساد به‌شمار می‌رود.

مشارکت مردمی و فعالان مدنی در مبارزه با فساد مالی و اقتصادی یک عنصر کلیدی برای ایجاد شفافیت و مسئولیت‌پذیری در نظام‌های حکومتی است. در ادامه، جزئیات بیش‌تری از شیوه‌های مختلف مشارکت مردمی و مبانی نظارت اجتماعی را بررسی می‌کنیم:

۱. استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی

– **نقش رسانه‌ها:** رسانه‌های جمعی، از جمله تلویزیون، رادیو، و مطبوعات، می‌توانند به‌عنوان پلتفرمی برای انتشار اخبار و گزارش‌های مربوط به فساد عمل کنند. فعالان مدنی می‌توانند از این فضاها برای جلب توجه عمومی به موارد فساد استفاده کنند؛

– **شبکه‌های اجتماعی:** با گسترش فناوری‌های جدید، شبکه‌های اجتماعی به ابزاری قدرتمند برای ارتباط و تبادل اطلاعات تبدیل شده‌اند. نخبه‌گان، نویسندگان و فعالان اجتماعی می‌توانند از این فضا برای افزایش آگاهی عمومی و تشویق مردم به مشارکت در مبارزه با فساد بهره ببرند. این ابزارها می‌توانند به شکل‌دهی افکار عمومی در مورد فساد کمک کنند.

۲. جمع‌آوری امضا و ارسال آن به نمایندگان

جمع‌آوری امضا برای موضوعات فساد می‌تواند به‌عنوان یک ابزار برای ایجاد حساسیت در میان نمایندگان مردم در پارلمان و دیگر نهادهای دولتی عمل کند. این نوع مشارکت می‌تواند به مسؤولان فشار بیاورد تا به مشکلات پاسخ دهند و اقداماتی را برای مبارزه با فساد انجام دهند.

۳. تأسیس نهادهای مردمی

تأسیس نهادهای مردمی برای مبارزه با فساد می‌تواند به شکل‌گیری ساختارهای قانونی و اجتماعی کمک کند که در آن مردم می‌توانند به‌طور فعال در فرایند نظارت بر دولت و نهادهای عمومی مشارکت کنند.

کشورهایی مانند کره جنوبی و فیلیپین نمونه‌های موفقی از نهادهای مردمی دارند، که در مبارزه با فساد نقش مؤثری ایفا کرده‌اند. این نهادها معمولاً با هدف شفاف‌سازی و نظارت بر عمل‌کرد دولت تأسیس می‌شوند و می‌توانند به جلب اعتماد عمومی کمک کنند (براتی و زارعی، ۱۳۹۵: ۳۳۵-۳۳۶).

۴. تذکر و دعوت به نیکی

فرهنگ انتقاد: ایجاد فرهنگی که در آن انتقاد سازنده و دعوت به نیکی عادی باشد، می‌تواند به کاهش فساد کمک کند. مردم باید قادر باشند بدون ترس از عواقب، به مسؤولان و افراد متخلف تذکر دهند.

مدیریت برخورد: این نوع مشارکت نیازمند مهارت در نحوه بیان انتقادات است. تذکر باید با احترام و در کادر قانونی انجام شود تا اثر مثبت خود را بگذارد و نه این‌که به واکنش‌های منفی منجر شود.

۵. مبانی نظارت اجتماعی

برای این‌که نظارت اجتماعی مؤثر باشد، نیاز به نهادهای منظم و قانونی است که مردم بتوانند به آن‌ها اعتماد کنند و در آن‌ها مشارکت نمایند. این نهادها باید به‌طور مستقل از دولت عمل کنند تا بتوانند نظارت مؤثری بر عمل‌کرد حکومت داشته باشند (فاضل، ۱۳۹۶: ۲۳۴).

بر همین اساس مشارکت مؤثر مردم و فعالان مدنی در مبارزه با فساد، نه تنها به شفافیت بیش‌تر در حکومت کمک می‌کند، بل‌که به تقویت اعتماد عمومی و کاهش احساس بی‌اطلاعی و بی‌پاسخ‌گویی در بین مسؤولان نیز می‌انجامد. هم‌کاری و هم‌افزایی میان نهادهای دولتی و جامعه مدنی، از ارکان اساسی مبارزه با فساد است، که باید به جدی‌ترین شکل ممکن در دستور کار قرار گیرد.^۱

۱۱. مبانی نظارت و مسؤولیت اجتماعی

نظارت همه‌گانی در فرهنگ اسلامی به‌عنوان یک مسؤولیت اجتماعی شناخته می‌شود، که براساس آموزه‌های دینی، هر فرد در جامعه باید نسبت به رفتار دیگران و حفظ ارزش‌های اخلاقی مسؤولیت‌پذیر باشد. این مفهوم در قرآن و سنت پیام‌بر اسلام (ص) به‌وضوح آمده است و بر اهمیت هم‌بستگی اجتماعی تأکید می‌کند (فاضل، ۱۳۹۶: ۲۳۴).

آن‌چه که در آموزه‌های اسلامی مبنی بر احساس مسؤولیت و حس نظارت تأکید گردیده بر مبانی زیر استوار است:

^۱. عوامل مؤثر در ایجاد فرهنگ نظارت اجتماعی و نقش‌آفرینان آن شامل آموزش مستمر، رسانه‌ها، نهادهای مدنی مستقل، چارچوب‌های قانونی، و نهادهای دینی و فرهنگی است که به مشارکت فعال مردم و کاهش فساد کمک می‌کند.

– مسؤولیت اجتماعی: طبق آموزه‌های اسلامی، هر فرد به‌عنوان «راعی» باید مراقب رفتار خود و دیگران باشد. این وظیفه شامل امر به معروف و نهی از منکر است، که به‌عنوان یک اصل اساسی در دین اسلام تلقی می‌شود. به‌طور مثال، در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است: «کُلُّکُمْ رَاعٍ وَکُلُّکُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِیَّتِهِ»؛ به معنای این که همه شما مسؤولید.

– امر به معروف و نهی از منکر: این دو مفهوم به‌عنوان ابزارهای اصلاح اجتماعی عمل می‌کنند. امر به معروف به معنای تشویق به کارهای نیک و نهی از منکر به معنای جلوگیری از کارهای نادرست است. این وظیفه تنها بر عهده مقامات نیست، بل که هر فرد در جامعه باید نسبت به آن حساس باشد (فاضل، ۱۳۹۶: ۲۳۴-۲۳۵).

۱۲. شرایط مؤثر در نظارت اجتماعی

الف. قدرت: برای اجرای مؤثر امر به معروف و نهی از منکر، افراد و نهادها باید توانایی لازم برای این کار را داشته باشند. این قدرت می‌تواند اجتماعی، فرهنگی یا اقتصادی باشد. اگر افراد احساس کنند که در اجرای این مسؤولیت‌ها ناکام هستند یا قدرت لازم را ندارند، ممکن است از این مسؤولیت صرف‌نظر کنند (مطهری، ۱۳۸۹: ۳۰۴).

ب. اثر: نظارت اجتماعی باید در شرایطی انجام شود که انتظار نتیجه مثبت وجود دارد. اگر عملی هیچ تأثیری نداشته باشد یا حتی نتیجه معکوس بدهد، نباید انجام شود؛ بنابراین، حساسیت و آگاهی عمومی نسبت به این مسائل از اهمیت بالایی برخوردار است (همان: ۳۰۳).

۱۳. انواع نظارت در نظام اسلامی

۱۳-۱. نظارت درونی

این نوع نظارت به پای‌بندی فرد به اصول اخلاقی و دینی مربوط می‌شود. تقویت ایمان و خودکنترولی افراد می‌تواند در کاهش فساد مؤثر باشد. افراد باید خود را به‌عنوان ناظران رفتار خود در نظر بگیرند و احساس کنند که اعمال‌شان تحت نظر خداوند است.

۱۳-۲. نظارت بیرونی

الف. نظارت عمومی: این شامل نظارت جامعه بر رفتار یک‌دیگر است. افراد باید نسبت به اعمال یک‌دیگر حساس باشند و در صورت مشاهده نادرستی، واکنش نشان دهند. این نوع نظارت می‌تواند

با کمک رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی تقویت شود. در جوامع باز، فرهنگ مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری شهروندی از عوامل کلیدی در موفقیت نظارت عمومی به‌شمار می‌روند (دادگر و مصومی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۸۰)؛

ب. **نظارت دولتی:** این نظارت به مسئولیت مقامات در کنترل و نظارت بر نهادها و افراد مربوط می‌شود. دولت‌ها باید سازوکارهای مؤثری برای نظارت بر فساد مالی و اداری ایجاد کنند (همان: ۱۸۰). نظارت دولتی شامل تدوین قوانین، ایجاد نهادهای بازرسی مستقل، حمایت از افشاگران فساد و تضمین شفافیت در عمل‌کرد است تا اعتماد عمومی حفظ شود و اصلاحات سازمانی بهبود یابد؛

ج. **نقش نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد:** در کنار نظارت عمومی و دولتی، نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مکمل و حیاتی دارند. این نهادها با فعالیت‌های آموزشی، اطلاع‌رسانی و پایش مستمر، به تقویت ساختارهای نظارتی کمک می‌کنند و به‌عنوان واسطه‌یی میان مردم و دولت عمل می‌نمایند. تجارب جهانی نشان می‌دهد که هم‌کاری و هماهنگی میان دولت و جامعه مدنی، کلید موفقیت در مقابله با فساد و افزایش کارایی نظام‌های نظارتی است (براتی و زارعی، ۱۳۹۵: ۸۵).

۱۴. نقش آموزش و فرهنگ‌سازی

برای ایجاد جامعه‌یی پاسخ‌گو و حساس نسبت به فساد، آموزش و فرهنگ‌سازی از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است. این موارد شامل چند بخش کلیدی است:

الف. آگاهی‌بخشی به جامعه

افزایش شناخت مردم درباره مفهوم فساد، انواع آن، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی فساد و روش‌های پیش‌گیری، از طریق برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها، و به‌کارگیری رسانه‌های مختلف (رسانه‌های جمعی، شبکه‌های اجتماعی، برنامه‌های آموزشی تلویزیونی و رادیویی) انجام می‌شود. برای مثال، کمپین‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند نسل جدید را نسبت به اثرات فساد حساس کند و نقش آنان را در مقابله با فساد پررنگ نماید.

ب. توسعه مهارت‌های اجتماعی

آموزش مهارت‌های ارتباطی، نقدپذیری، تفکر انتقادی، و کار گروهی به مردم کمک می‌کند تا بتوانند به‌طور مؤثر در برابر فساد واکنش نشان دهند، اطلاعات درست را تشخیص دهند و با نهادهای

نظارتی هم‌کاری کنند. این مهارت‌ها باعث می‌شود که افراد در فضای اجتماعی و سازمانی به‌تر عمل کنند و مشارکت فعال‌تری در فرایندهای نظارتی و گزارش‌دهی داشته باشند.

ج. تقویت پای‌بندی مذهبی و اخلاقی

با برگزاری جلسات مذهبی، کارگاه‌های اخلاقی و فعالیت‌های فرهنگی، باورها و ارزش‌های اخلاقی و مذهبی تقویت می‌شوند. این باورها نقش مؤثری در ایجاد حس مسؤولیت اجتماعی و وجدان اخلاقی دارند که مانع انجام اعمال فسادآمیز می‌شوند. به عنوان مثال، رهبران دینی می‌توانند با بیان اهمیت عدالت، امانت‌داری و پاک‌دستی در سخن‌رانی‌ها، فرهنگ مبارزه با فساد را در جامعه نهادینه کنند. در نهایت، آموزش و فرهنگ‌سازی باید به‌صورت مستمر و فراگیر باشد و از سنین کودکی شروع شود تا یک ساختار فرهنگی پایدار برای مقابله با فساد شکل گیرد. این فرایند نه‌تنها موجب کاهش فساد می‌شود، بل که به تقویت اعتماد عمومی، افزایش مشارکت مدنی و ارتقای سلامت سازمان‌ها کمک می‌کند.

۱۵. مستقل بودن قوه قضائیه

استقلال قوه قضائیه نه‌تنها به اجرای عدالت کمک می‌کند، بل که می‌تواند به کاهش فساد و بهبود وضعیت عمومی کشورها نیز منجر شود. در این راستا، بسیاری از کشورها نیاز به اصلاحات اساسی دارند تا قوه قضائیه واقعاً مستقل عمل کند.

در برخی از کشورها، قوه قضائیه با سازمان‌های نظارتی هم‌کاری دارد و استقلال آن برای مبارزه با فساد حیاتی است. در مقابل، در برخی دیگر از کشورها، قوه قضائیه به شدت تحت تأثیر قوه مجریه است و این وابستگی موجب کاهش استقلال و کارایی آن در مبارزه با فساد می‌شود.

پُر واضح است که فساد مالی در هر نظامی وجود دارد، اما میزان آن به فرهنگ، نحوه حاکمیت و استقلال نظام قضایی بسته‌گی دارد. عدم استقلال قوه قضائیه می‌تواند منجر به ریشه‌دار شدن فساد شود و این قوه نتواند به‌طور مؤثر با تخلفات مقابله کند.

در برخی نظام‌ها، قوه قضائیه ارتباط نزدیکی با سازمان‌های نظارتی دارد، که یکی از وظایف‌شان مبارزه با فساد مالی و اقتصادی است. این سازمان‌ها می‌توانند تخلفات را به قوه قضائیه گزارش دهند و این قوه مجاز است متخلفان را مجازات کند. استقلال قوه قضائیه برای مبارزه مؤثر با فساد بسیار حائز اهمیت است. اگر قوه قضائیه به قوای دیگر وابسته باشد، کارایی‌اش کاهش می‌یابد.

در برخی از کشورها، قوانین موجود به مقامات اجرایی اجازه می‌دهد که اعضای قوه قضائیه را انتخاب کنند. این موضوع استقلال قوه را تضعیف می‌کند و مانع از عمل کرد بی‌طرفانه آن می‌شود. وابسته‌گی به دولت می‌تواند به تداوم فساد کمک کند. در کشورهای دموکراتیک، استقلال قوه قضائیه برای کاهش فساد و ارتقای شفافیت اهمیت دارد. اگر قوه قضائیه تحت تأثیر قدرت‌های سیاسی باشد، به دنبال اجرای عدالت نخواهد بود و مفسدان می‌توانند از مجازات فرار کنند. (دادگرو معصومی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۰۴)؛ بنابراین برای افزایش کارایی قوه قضائیه، باید قوانین اصلاح شود تا استقلال این قوه تضمین گردد. اعضای قوه قضائیه باید از طریق نهادهای مستقل انتخاب شوند تا قادر باشند به‌طور مؤثری با فساد مقابله کنند.

۱۶. کاهش تصدی‌های دولتی

قدرت، مطلق فساد آواراست؛ از این رو، سیاست متمرکز، زمینه‌ساز فساد مالی و اقتصادی است. یکی از فاکتورهای مهم در بروز و شیوع فساد اقتصادی، دولتی‌بودن بخش اعظم اقتصاد کشورهاست. چه این که در چنین شرایطی دولت تنها تولیدکننده ارز و خدمات عمومی بوده و حاکم بر ثروت و اقتصاد کشور است؛ به عبارت دیگر دولت بیش‌ترین امکانات و قدرت را در اختیار دارد. در چنین وضعیت، اقشار مختلف مردمی به منابع حکومتی چشم دوخته و تلاش خواهند کرد تا به کانون سیاست و قدرت نزدیک شده و از راه غیرمشروع و رشوه، منابع عمومی را تصرف و شخصی‌سازی نمایند. توجه به این مطلب به‌ترین پالیسی برای کاهش فساد مالی و اقتصادی، تقلیل فرصت‌های ارتکاب فساد، از طریق کاهش دادن نقش دولت در اقتصاد است. برای وصول به این هدف، تشویق، ترغیب و ایجاد بستری که در آن خصوصی‌سازی فرصت کار و فعالیت پیدا کند، زیربنایی‌ترین راه مبارزه با فساد اقتصادی و مالی است (دادگرو و معصومی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۱۰۶).

۱۷. افزایش درآمد قضات و کارمندان دست‌گاه مستعد به فساد

عدم توجه به مسائل اقتصادی و حقوقی در نهادهای قضایی می‌تواند منجر به افزایش فساد مالی شود؛ بنابراین، افزایش حقوق، بهبود شرایط کاری و نظارت مؤثر بر قضات می‌تواند به‌طور قابل توجهی در کاهش فساد تأثیرگذار باشد. پایین بودن حقوق و دست‌مزد کارکنان خدمات عمومی، به‌ویژه قضات، یکی از عوامل اصلی فساد مالی در نهادهای دولتی به‌شمار می‌آید. این موضوع به‌خصوص در شرایطی که درآمد کارمندان بخش عمومی نسبت به بخش خصوصی به شدت کم‌تر باشد، خود را

نشان می‌دهد. سیستم قضایی‌یی که نتواند قاضیان لایق و شایسته را جذب کند، ناگزیر به استخدام افراد باکیفیت پایین‌تر می‌شود. این قاضیان ممکن است برای تأمین هزینه‌های زنده‌گی خود و جبران کم‌بود درآمد، به دریافت رشوه و فساد مالی روی بیاورند (منفرد، ۱۳۹۵: ۲۸). در برخی نظام‌ها، منصب قضاوت به راحتی قابل خریداری است و هزینه این خرید ممکن است چندین برابر درآمد سالانه یک قاضی باشد. افرادی که از طریق فساد به چنین منصبی دست می‌یابند، معمولاً به دنبال جبران هزینه‌های خود از طریق رشوه‌خواری هستند (همان: ۲۹).

۱۸. تقویت روحیه عدالت در سازمان نظارت

برقراری عدالت اجتماعی و انتخاب نهادهای نظارتی مستقل و عادل، برای جلوگیری از انحطاط نظام و تأمین ثبات اجتماعی و سیاسی ضروری است. در نهایت، ایجاد ساختارهای عادلانه می‌تواند به بهبود وضعیت جامعه و افزایش اعتماد عمومی به نهادها کمک کند.

نبود عدالت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند به ایجاد بحران و انحطاط در نظام سیاسی منجر شود. در چنین شرایطی، احساس بی‌عدالتی در میان مردم می‌تواند به نارضایتی و در نهایت به فروپاشی نظام سیاسی منجر شود (نهر، ۱۳۶۳: ۳۲).

عدالت اجتماعی و برابری در یک جامعه ضروری هستند. سیستم‌های قدیمی که براساس نابرابری و تمرکز ثروت در دستان عده‌یی محدود بنا شده بودند، دیگر قابل قبول نیستند. برقراری عدالت به‌عنوان یکی از ارکان پیش‌رفت و توسعه جامعه تلقی می‌شود و نابرابری می‌تواند موجب بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی شود (همان: ۱۱۲).

در بسیاری از نظام‌ها، انتخاب اعضای نهادهای نظارتی ممکن است تحت تأثیر مقامات سیاسی قرار گیرد. اگر این مقامات افراد متعهد و عادل باشند، احتمالاً اعضای نهادها نیز به همین شکل انتخاب خواهند شد، اما اگر آن‌ها غیرعادل باشند، انتظار نظارت مؤثر نیز غیرمحمّل خواهد بود. برای بهبود وضعیت نهادهای نظارتی و جلوگیری از فساد، ضروری است که روحیه عدالت اجتماعی در تمامی نهادها تقویت شود. این شامل اصلاح فرایندهای انتخاب اعضای نهادها و ایجاد سازوکارهایی است که استقلال و عدالت را در عمل تضمین کند.

۱۹. مناقشه

این تحقیق تفاوت‌های عمده‌یی با سایر تحقیقات مشابه در حوزه فساد مالی و نظارت بر آن دارد. اولین تفاوت در رویکرد تحلیلی و توصیفی است، که در این تحقیق برای بررسی عوامل مؤثر در

کاهش فساد مالی اتخاذ شده است. برخلاف بسیاری از پژوهش‌ها که تنها به تحلیل پیامدها و آثار فساد می‌پردازند، این تحقیق به شناسایی ریشه‌های فساد و چه‌گونه‌گی خنثاسازی آن‌ها توجه ویژه دارد؛ هم‌چنین، در این تحقیق تلاش شده است تا علاوه بر بررسی راه‌کارهای اصلاحی در سطح قانونی و نهادی، به اهمیت تقویت ساختارهای نظارتی مستقل و شفاف پرداخته شود، که در بسیاری از تحقیقات پیشین کمتر به آن پرداخته شده است.

دومین تفاوت مهم، تمرکز این تحقیق بر کشورهای در حال توسعه است. درحالی که بسیاری از پژوهش‌ها به مسائل فساد مالی در کشورهای پیش‌رفته یا با توجه به تجربیات جهانی پرداخته‌اند، این تحقیق به‌ویژه بر بحران‌هایی که فساد مالی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌کند، تأکید دارد. این تمرکز خاص به کشورهای در حال توسعه باعث می‌شود تا راه‌کارهای ارائه‌شده در این تحقیق متناسب با شرایط و چالش‌های خاص این کشورها باشد و به‌طور خاص به مشکلات ساختاری و نهادهای نظارتی در این جوامع بپردازد.

سومین تفاوت در بررسی جنبه‌های مختلف فساد مالی است؛ درحالی که بسیاری از تحقیقات مشابه تنها بر ابعاد اقتصادی یا سیاسی فساد تمرکز دارند، این تحقیق تلاش کرده است تا علاوه بر این جنبه‌ها، به ابعاد فرهنگی، اخلاقی و دینی نیز توجه کند. این دیدگاه جامع باعث شده تا در این تحقیق راه‌کارهای پیش‌نهادی متنوع‌تر و چندبعدی باشند و هم‌راستا با نیازهای خاص جوامع مختلف توسعه یابند.

۲۰. نتیجه‌گیری

برای ایجاد نظامی سالم و عاری از فساد مالی و اقتصادی، ضروری است که تمامی عوامل مؤثر در ریشه‌کنی یا کاهش فساد به دقت مورد توجه قرار گیرند. نادیده‌گرفتن برخی متغیرها می‌تواند کارایی سازمان‌های نظارتی را کاهش داده یا حتی آن را از بین ببرد. فساد مالی یک پدیده پیچیده است که ریشه‌های آن در بسترهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد؛ بنابراین، در مبارزه با این معضل، نیاز به روی‌کردی جامع و چندجانبه وجود دارد.

این تحقیق نشان داد که مبارزه با فساد مالی در کشورهای در حال توسعه نیازمند روی‌کردی جامع و چندبعدی است. برخلاف تحقیقات پیشین، که غالباً به تحلیل پیامدهای فساد یا جنبه‌های اقتصادی آن پرداخته‌اند؛ این پژوهش بر شناسایی و مقابله با ریشه‌های فساد تأکید دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که برای کاهش فساد مالی، تقویت ساختارهای نظارتی مستقل و شفاف از اهمیت

بالایی برخوردار است. این ساختارها باید قادر به شناسایی و مقابله با فساد در سطوح مختلف اداری و اجرایی باشند.

تحقیق حاضر همچنین به این نتیجه رسید، که مشکلات ساختاری و ضعف نهادهای نظارتی در کشورهای در حال توسعه، یکی از دلایل اصلی گسترش فساد مالی است؛ بنابراین، اصلاحات اساسی در فرایندهای نظارتی، شفافیت قانونی و تقویت پاسخ‌گویی نهادهای نظارتی از جمله راه‌کارهای ضروری برای مقابله با فساد است. این راه‌کارها باید به‌طور خاص باتوجه به چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه طراحی شوند.

در نهایت، این تحقیق بر اهمیت توجه به ابعاد فرهنگی، اخلاقی و دینی فساد نیز تأکید دارد؛ از این‌رو، مقابله با فساد مالی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه تنها از طریق اصلاحات قانونی و نهادی، بل که باتوجه به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی آن، می‌تواند نتایج مؤثرتری به دنبال داشته باشد؛ بنابراین، پیش‌نهاد می‌شود که نهادهای نظارتی در این کشورها با تأکید بر شفافیت و استقلال، به‌طور مؤثرتر و کارآمدتری در راستای کاهش فساد مالی عمل کنند.

ORCID

M.Ebrahim Masoun



<https://orcid.org/0009-0006-4294-1951>

Mohammad Tariq Wamiq



<https://orcid.org/0000-0001-9161-9623>

ارجاع به این مقاله (APA):

مصون، محمدابراهیم؛ وامق، محمدطارق. (۱۴۰۴). «راهبردهای اصلاحی برای بهبود نظارت و مبارزه با فساد مالی». فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب، ۱۴(۲)، ۱۷۱-۱۹۶. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.8>

To Cite this Article (APA):

. Masoun, M. Ebrahim; Wamiq, Mohammad Tariq. (2025). "Reform Strategies for Improving Oversight and Combating Financial Corruption". *Ghalib Journal*, 14(2), 171-196. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.8>

سرچشمه‌ها

۱. الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۸). مدیریت عمومی. چ ۳۷. تهران: نشر نی.
۲. براتی، نظام؛ زارعی، محمدحسین. (۱۳۹۵). «مجموعه مقالات همایش کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد: بررسی نقش مشارکت مردم و جامعه مدنی در مبارزه با فساد». چاپ اول.

۳. جزنی، نسربین. (۱۳۸۸). **مدیریت منابع انسانی**. چ ششم. تهران: نشر نی.
۴. خدمتی، ابوطالب. (۱۳۹۳). **مبارزه با فساد اداری با رویکرد اسلامی**. تهران: پژوهش گاہ حوزه و دانش گاہ.
۵. خضری، محمد. (۱۳۸۷). «**آسیب شناسی روش های مبارزه با فساد اداری در ایران**». فصل نامه مطالعات راهبردی. ۱۱ (۴۲): ۸۱۳-۸۲۶.
https://quarterly.risstudies.org/article_925.html
۶. دادگر، حسن؛ مصومی نیا، غلامعلی. (۱۳۸۶). **فساد مالی**. چ دوم. تهران: کانون اندیشه جوان.
۷. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۶). **سرطان اجتماعی فساد**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. زرگری، سیدمهدی. (۱۳۹۰). **پیش گیری از بزه کاری**. تهران: مؤسسہ نگاہ بینہ.
۹. صالحی، غلامرضا. (۱۳۹۱). **راہبردهای مبارزه با فساد اداری**. چ دوم. تهران: انتشارات جنگل.
۱۰. عباس زادگان، سید محمد. (۱۳۸۳). **فساد اداری**. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۱. فاضل، حمید. (۱۳۹۶). **ظرفیت های تمدن اسلام**. چ دوم. تهران: مرکز بین المللی ترجمہ و نشر المصطفی.
۱۲. متحدیان، رحیم. (۱۳۹۰). **ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد**. تهران: شرکت فرآزما پردازش.
۱۳. مصون، محمدابراهیم. (۱۴۰۰). **آسیب شناسی ساختار نظارتی در پیش گیری از فساد مالی در ایران و افغانستان**. پایان نامہ دکتری. دانش گاہ تهران، رشتہ حقوق جزا و جرم شناسی.
۱۴. مطہری، مرتضی. (۱۳۸۹). **مجموعہ آثار**. ج ۱۷. چ چہار دہم. تهران: بی جا.
۱۵. منفرد، لیلا. (۱۳۹۵). **فساد در نظام های قضایی: گزارش سازمان شفافیت بین الملل در سال ۲۰۰۷**. تهران: پژوهش گاہ قوہ قضائہ.
۱۶. مؤسسہ تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. (۱۳۸۲). **فساد مالی و اقتصادی: ریشہ ها، پیامدہا، پیش گیری و مقابله: ریشہ ها و علل فساد مالی و اقتصادی در ایران**. تهران: مؤسسہ تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۱۷. نہرو، جواہر لعل. (۱۳۶۳). **میعاد با سرنوشت**. ترجمہ محمود تفضلی. تهران: انتشارات توس.

References

1. Alvani, Seyyed Mehdi. (2009). *General Management* (37th ed.). Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
2. Barati, Nezam; Zarei, Mohammad-Hossein. (2016). *Proceedings of the Conference on the United Nations Convention against Corruption: Examining the Role of Public Participation and Civil Society in Combating Corruption* (1st ed.). [In Persian]
3. Jazani, Nasrin. (2009). *Human Resource Management* (6th ed.). Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
4. Khedmati, Abutaleb. (2014). *Combating Administrative Corruption from an Islamic Perspective*. Tehran: Research Institute of Seminary and University. [In Persian]
5. Khezri, Mohammad. (2008). "Pathology of Methods for Combating Administrative Corruption in Iran." *Strategic Studies Quarterly*, 11(42), 813-826. https://quarterly.rissstudies.org/article_925.html [In Persian]
6. Dadgar, Hassan; Masouminia, Gholamali. (2007). *Financial Corruption* (2nd ed.). Tehran: Kanoon Andisheh Javan. [In Persian]
7. Rafiee-Pour, Faramarz. (2007). *The Social Cancer of Corruption*. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar. [In Persian]
8. Zargari, Seyyed Mehdi. (2011). *Crime Prevention*. Tehran: Negah-e Bineh Institute. [In Persian]
9. Salehi, Gholam-Reza. (2012). *Strategies for Combating Administrative Corruption* (2nd ed.). Tehran: Jangal Publications. [In Persian]
10. Abbaszadegan, Seyyed Mohammad. (2004). *Administrative Corruption*. Tehran: Office for Cultural Research. [In Persian]
11. Fazel, Hamid. (2017). *The Civilizational Capacities of Islam* (2nd ed.). Tehran: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. [In Persian]
12. Mottahadian, Rahim. (2011). *Promoting Administrative Health and Combating Corruption*. Tehran: Farazma Pardazesh Company. [In Persian]
13. Masoon, Mohammad-Ebrahim. (2021). *Pathology of Supervisory Structure in Preventing Financial Corruption in Iran and Afghanistan*. Doctoral Dissertation, University of Tehran, Department of Criminal Law and Criminology. [In Persian]
14. Motahhari, Morteza. (2010). *Collected Works*, Vol. 17 (14th ed.). Tehran: Bijā. [In Persian]
15. Monfared, Leila. (2016). *Corruption in Judicial Systems: Report of Transparency International in 2007*. Tehran: Judiciary Research Institute. [In Persian]
16. Tadbir-e-Eghtesad Research Institute. (2003). *Financial and Economic Corruption: Roots, Consequences, Prevention and Confrontation: Roots and Causes of Financial and Economic Corruption in Iran*. Tehran: Tadbir-e-Eghtesad Research Institute. [In Persian]
17. Nehru, Jawaharlal. (1984). *Tryst with Destiny* (Trans. Mahmoud Tafazzoli). Tehran: Tous Publications. [In Persian]